

آدم آهنی و شاپرک - صفحه

#تاریخ ادبیات:

ژیلینسکای ویتاتو: صفحه‌ی ۱۷۸ کتاب درسی

#معنای لغات:

ملت: مردم / سروری: سربلندی، عزت / تقدیر: سرنوشت / جذاب‌ترین: زیباترین، دوست‌داشتنی‌ترین / مرتبه: دفعه، بار / جالب: در خور توجه، زیبا / آهنین: از جنس آهن / خشن (صدای خشن): ناخوشایند / خرخر: صدای ناصاف و آزاردهنده (نام آوا، صوت) / اصلاً: به هیچ وجه، هرگز / فهرست: لیست / خیره می‌شدند: با دقت نگاه می‌کردند / به موقع: در زمان مناسب، سر وقت / مودبانه: باشیطنت / جلب: جذب / نچشیده‌ام: مزه نکرده‌ام / متأسفانه: بدبختانه، با ناراحتی و افسوس / فرق داشت: تفاوت داشت / غلط: نادرست، ناصحیح / تحسین = تشویق: آفرین گفتن / خوشایند: دل‌نشین، دوست‌داشتنی / افکار: جمع فکر / ملاقات: دیدار با کسی / انبوه: تعداد فراوان / به سراغ او آمد: به دنبال او آمد. / سرشناس: مشهور، معروف / عصبانیت: خشم و ناراحتی / مطمئنم: اطمینان دارم، یقین دارم / نگران: مضطرب / نجوا: صحبت آرام / غرّش: صدای بلند و ترسناک / مودبانه: همراه با ادب / مرتباً: دائم، همیشه / بدجنس: بدذات، بدسرشت / گونه: چهره، صورت / زمزمه: کلام زیر لب / شتاب: سرعت بالا / التماس: درخواست عاجزانه، خواهش و اصرار / نمی‌گذارم: اجازه نمی‌دهم / بیلعد: یکجا بخورد / بلافاصله: بدون اتلاف وقت، سریع، فوراً / غرغز: نام آوا، صوت / سکوت حاکم شد: همه جا را سکوت گرفت / کنجکاو: جست و جوگر / فشرده شد: درد گرفت / ملافه: پارچه‌ی روانداز / رایحه: بوی خوش / خش خش: صوت، نام آوا

#معنای شعر:

معنی بیت اول فصل: خداوند، ملّتی را بزرگ و ارجمند می‌گرداند که سرنوشت سرزمینشان را خودشان در دست بگیرند و مستقل باشند.

#آرایه‌ها:

بیت آغاز فصل تلمیح دارد به آیه ۱۱ سوره‌ی رعد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» = خداوند سرنوشت هیچ قومی (و ملّتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در (وجود) خودشان است تغییر دهند / نور سرد - کنایه از غیرطبیعی / خوب از آب درنیاید - کنایه از اینکه نتیجه‌ی خوبی نداشته باشد / صدایش بسیار شیرین بود - حس آمیزی / ساده دلی - کنایه از پاک و بی‌آلایش بودن / صدای غرّش مانند - تشبیه / چشمش به پنجره خیره می‌ماند - کنایه از انتظار / بادی در گلو انداخت - کنایه از غرور و تکبر / مثل فرفره - تشبیه / صدای غرغز مانند - تشبیه / نفس آخر را کشید - کنایه از اینکه مُرد / صدای غرّش مانند - تشبیه / سکوت مرگ‌بار حاکم شد - تشخیص / بدون حرکت دراز کشید - کنایه از مرگ / هوا روشن میشد - کنایه از آغاز روز جدید، صبح شد / دور او حلقه زدند - تشبیه و کنایه از توجه و تمرکز / ملافه مثل کفن - تشبیه

#خودارزیابی:

- ۱- چون شاپرک بر خوردی متفاوت از بقیه با او داشت و با او، با محبت رفتار کرد.
- ۲- چرا که به شدت به او محبت داشت و از دست دادن او سبب اندوه فراوانش شده بود.
- ۳- عشق و دوستی

نوع نثر: ساده و روان